

نگاهی به وضعیت کمیته ملی المپیک قبل و بعد از انتخاب محمود خسروی وفا

چشم‌امید ورزش به رئیس المپیک

چندباره مجمع انتخاباتی، در این مدت اتفاقات ریز و درشت زیادی رخ داد. موکول شدن بازی‌های هانگزو به سال آینده اگر چه برنامه تیم‌های ملی را دگرگون کرد اما تنها حسشنش برای ورزش ایران از بین رفتن بهانه بر گزار نشدن انتخابات بود. اضافه شد. چطور می‌شود افرادی که فاقد صلاحیت بودند نامیده‌است عهدهدار کمیته ملی المپیک می‌شود؟

اهمیت و حساسیت انتخابات کمیته ملی المپیک اگر بیشتر از جلسه رای اعتماد نمایندگان به وزیر ورزش نباشد، کمتر هم نیست. چند ماهی از پایان دوران ریاست سیدرضا صالحی‌امیری بر این کمیته می‌گذشت اما در پیش بودن بازی‌های آسیایی و البته دلایل دیگر بهانه‌های خوبی بودند برای به تعویق انداختن



رئیس‌جمهور ایران

فراوان و در پایان هفته منتشر شد. بااینکه تصور می‌شد نامزدهای رده‌های اصلاحیه شده با توجه به تعطیلی آخر هفته اعتراض‌شان به جایی نرسد اما معاون سابق وزیر ورزش با انتشار یک نامه اعتراضی به هدفش رسید و نام علی‌نژاد و شایسته روز قبل از انتخابات به لیست نامزدهای ریاست اضافه شد. چطور می‌شود افرادی که فاقد صلاحیت بودند تنها با یک نامه اجازه ورود به انتخابات را بگیرند و در مجمع هم حاضر باشند؟ در واقع علی‌نژاد همان گزینه‌ای بود که برخی جریان‌ها امیدوار به پیروزی او بودند و البته به هدفشان هم نرسیدند.

روز موعود

موردی از جمله به حد تصاب نرسیدن مجمع، کاهش تعداد اعضای المپیک و اتفاقات شب قبل از انتخابات نگرانی‌هایی را ایجاد کرده بود. شدت اخبار حاشیه‌ای به حدی بود که تا ظهر روز ششم شهر یوم هم هنوز احتمال لغو انتخابات و تبدیل مجمع انتخاباتی به مجمع عمومی وجود داشت، ولی خوشبختانه همان ابتدای جلسه صالحی‌امیری خیل همه را راحت کرد و معلوم شد تلاش منافع طلبان به نتیجه نرسیده است. رأی گیری دور اول بین چهار نفر انجام شد و با صعود دو نامزد اصلی به دور دوم پیش‌بینی‌ها در دست از آب در آمد. مجید شایسته انصراف داد و باقرزاده هم با پنج رأی حرفی برای گفتن نداشت اما خسروی وفا و علی‌نژاد هر کدام با ۲۴ رأی چشم‌امید به همان پنج رأی باقرزاده داشتند. در ادامه فعالیت‌های مشکوک قبل از شروع رأی گیری دور دوم دو نفر از رؤسای فدراسیون‌های غیر المپیک یعنی هاشم اسکندری، رئیس فدراسیون بولینگ و بیلیارد و مسعود سلیمانی، رئیس فدراسیون

بلاتکلیفی بی‌پایان

در ورزش حرفه‌ای سه ماه فرصت مناسبی است برای اینکه هر چه سریع تر و پیش از آنکه رشته‌های مختلف آسیب بینند، سرنوشته مدیریت جدید فدراسیون‌های بالاکلیف مشخص شود. از مجمع فوق العاده تا روز انتخابات، وزارت ورزش بر تعیین تکلیف فدراسیون‌های بدون رئیس تأکید کرد و وزیر شخصا چندین بار این وعده را به جامعه ورزش داد، ولی در عمل وزارتخانه جور دیگری رفتار وزارت برای که چالش نسبت اعضای المپیک به اعضای غیر المپیک به وجود بیاید و بر گزاری مجمع انتخاباتی را به خطر بیندازد. ژیمناستیک و دوچرخه سواری دو فدراسیونی بودند که بیش از یک سال با رئیس اداره می‌شدند و مشکلی برای انتخاب رئیس جدید نداشتند. وزنه‌برداری، فوتبال و شمشیربازی نیز با سرپرست اداره می‌شدند و انتخابات فدراسیون سوار کاری نیز نه تأیید شد و نه ابطال را در کل همه می‌دانستند دست‌دست کردن‌های وزارت برای عدم بر گزاری مجامع انتخاباتی فدراسیون‌ها به چه دلیل است و همین مسئله بود که تا لحظه آخر بسیاری منتظر تعویق مجدد انتخابات بودند.

فراپندگی حاشیه‌ساز

باینکه تا لحظه آخر همه منتظر و شدن بهانه جدید بودند ولی فرایندهای بر گزاری مجمع یک‌به‌یک آغاز شد. اول از همه نوبت به انتخاب خیرگان ورزشی بود. همان نگرانی که بدون داشتن پست یا ریاست فدراسیون می‌توانستند برای انتخابات ثبت‌نام کنند، رئیس سابق این اختیار را داشت تا نفرت مدنظرش را معرفی کند تا اعضای هیئت اجرایی به آنها رأی دهند، اما هیئت اجرایی افرادی را به عنوان خیره انتخاب کرد که تعجب همه و ناراضایی صالحی‌امیری را نیز در پی داشت. مجید شایسته، نصرالله سجادی و مجید کهنایی فقط از نظر هیئت اجرایی خیره بودند و اهالی ورزش دلیل این انتخاب‌های مشکوک را امتیاز دادن به آنها برای حضور در انتخابات تلقی کردند. بعد از آن هم نوبت به فرایند ثبت‌نام رسید. نامزدها یک‌به‌یک مدارکشان را تحویل دادند و تا روز آخر گفته می‌شد وزیر ورزش و رئیس وقت کمیته وارد گود می‌شوند اما در نهایت هیچ کدام از آنها ثبت‌نام نکردند تا رقابت اصلی بین محمود خسروی وفا و مهدی علی‌نژاد باشد، منتها قبل از همه اینها صلاحیت نامزدها باید تأیید می‌شد. در فرایند تأیید صلاحیت حواشی زیادی رخ داد تا جایی که بر خلاف قانون به جای آنکه اسامی نامزدهای نهایی سه روز کاری پس از اتمام زمان ثبت‌نام اعلام شود، با تأخیر



شاید اولین حاشیه خسروی وفا همان کمبود بودجه‌ای باشد که صدای فدراسیون‌های مدال آور هفته گذشته، علیرضا دبیر با اشاره داشت. هر چند لحن و نحوه بیان رئیس فدراسیون کشتی به هیچ وجه مورد تأیید ما نیست، اما فتحوای حرفی او درست است

گزارش ۲ دنیا جودری

خوب یا بد، در دست با غلط، بزرگ‌ترین انتخابات فوتبال ایران بعد از کش و قوس‌های فراوان و حاشیه‌های بسیار، دست آخر به یک نام ختم شد؛ تاج ا گزیننده‌ای که به هر شکلی توانست نظر مجمع را به خود جلب کند و از آن رأی اعتماد بگیرد؛ انتخابی که جامعه فوتبال ایران ناچار است به آن احترام بگذارد. هر چند این به معنای چشم بستن به روی اشتباهات احتمالی آینده

این فوتبال دیگر تماشا ندارد

«تاج» گذاری بی‌کفایتی!

نیست، اما امروز دیگر هم زدن گذشته‌های از فوتبال دوانمی کند و باید موافق یا مخالف، نگاهش به آینده باشد و اینکه به چه طریقی می‌توان از بار مشکلات کاست و در مسیر موفقیت گام برداشت. فوتبال ایران دو رویداد بسیار مهم پیش رو دارد؛ جام جهانی و المپیک که سال‌هاست حسرت حضور در آن به دل فوتبال ایران مانده است. درست مانند صعود از مرحله گروهی جام جهانی که با وجود صعودهای مقتدرانه به ایسن رقابت‌ها نیز هرگز حاصل نشده است.



حضور در جام جهانی

به دنبال کی‌روش

تاج اگر چه هیچ برنامه‌ای جز بازگرداندن کار لوس کی‌روش ارائه نداد، اما بعد از پیروزی در انتخابات حرف خوبی زد که باید گذشته را به دست فراموشی سپرد و متحد و هم‌دل، برای کسب موفقیت در آینده تلاش کرد. هر چند بسیاری از اتفاقات گذشته فراموش شدنی نیست، وقتی فوتبال ایران همچنان در حال پس دادن تاوان آن است، اما دست به دست هم دادن و متحد شدن، بی‌شک بزرگ‌ترین گام برای رسیدن به موفقیت است، البته به شرط آنکه تنها شعاری دلفرب نباشد و با نیت عملی شدن به زبان آمده باشد.

چشم‌انتظار بودجه بیشتر

رئیس جدید از حمایت کامل و شفاف رئیس قبلی برخوردار بود و صالحی‌امیری صراحتاً اورا تا تنها نامزد شایسته جانشینی خود نامید. محمود خسروی وفا مسئولیت سختی را بر عهده گرفته است و همه اهالی ورزش امیدوارند او با تکیه بر کارنامه موفق مدیریتی‌اش، در کمیته المپیک نیز عملکرد خوبی از خود به جای بگذارد اما حالا که اوضاع کمی آرام شده و تب انتخابات فروکش کرده است، باید با نگاهی منطقی به اوضاع نگاه کرد. شاید اولین حاشیه خسروی وفا همان کمبود بودجه‌ای باشد که صدای فدراسیون‌های مدال آور را در آورده است. در همان مجمع هفته گذشته، علیرضا دبیر با ادبیات خاص خودش به این مسئله اشاره داشت. هر چند لحن و نحوه بیان رئیس فدراسیون کشتی به هیچ‌وجه مورد تأیید ما نیست، اما فتحوای کلام او درست است. کشتی به عنوان ورزش ملی ایران و سایر رشته‌های مدال آور برای ادامه فعالیت‌های حرفه‌ای خود نیازمند رسیدگی ویژه و دریافت بودجه بیشتر هستند. افزایش قیمت ارز در یکی دو سال گذشته کمر فدراسیون‌ها را شکسته و آنها برای اعزام تیم‌های ملی باید کلاه بزنند. سایر ورزش‌سکاران هم از کمبود یا نداشتن تجهیزات لازم رنج می‌برند. بر طرف کردن این مشکلات تنها با برنامه‌ریزی، رایزنی و گرفتن بودجه بیشتر حل خواهد شد. ضمن اینکه در مسیر توسعه به رشته‌ها، باید از هر گونه نگاه تبعیض آمیز جلوگیری کرد.

آینده ورزش

در یک سال گذشته موازی‌کاری و اختلاف بین کمیته و وزارت بیش از پیش عیان شد. در این مدت صالحی‌امیری و حمید سجادی هر دو منکر هر گونه مشکل و اختلافی بودند ولی کیست که نداند در این مدت چالش‌های زیادی بین آنها وجود داشت و تا لحظه آخر نیز پیرچا بود. بر گزاری مجمع انتخاباتی سوار کاری تنها یک نمونه از آن بود، با وجود لغو آن توسط وزارت، مسئولان کمیته توجهی به آن نکردند و انتخابات را بر گزار کردند. هنوز که هنوز است معلوم نشده نتیجه انتخابات تأیید یا ابطال شده است! علاوه بر این نرسیدن به موقع بودجه یکی دیگر از موارد اختلافی بوده و حرف و حدیث‌هایی را در پی داشته است. با شناختی که از خسروی وفا داریم، همه او را به عنوان رئیسی قاطع و با برنامه می‌شناسند. او در زمان حضورش در ریاست فدراسیون جانیازان و کمیته ملی پارالمپیک تمام تلاشش را کرد تا اوضاع را با کمترین چالش و حاشیه مدیریت کند، منتها حواشی ورزش المپیک بسیار بیشتر و شرایط حساس‌تر از پارالمپیک است. رئیس جدید باید فکری به حال بر طرف کردن اختلافات احتمالی با وزارت ورزش کند. تصمیمات وزارت و کمیته تأثیر مستقیمی بر ورزش قهرمانی و تیم‌های ملی می‌گذارد. سال آینده بازی‌های آسیایی را خواهیم داشت و تا چشم برهم‌بزنیم المپیک پاریس از راه خواهد رسید. در صورتی که همدلی و توافق نظر بین این دو نهاد وجود نداشته باشد، باید منتظر بروز حواشی جدید و تحت تأثیر قرار گرفتن رشته‌های مختلف باشیم. امیدواریم تیم جدید مدیریتی در کمیته ملی المپیک با مدنظر قرار دادن نکات ذکر شده روزهای خوبی را برای ورزش قهرمانی رقم بزنند و ثمره آن را در هانگزو و پاریس ببینیم.

المپیک یکی دیگر از موارد مهمی است که فدراسیون تاج باید به آن بپردازد؛ مسئله‌ای که موفقیت در آن می‌تواند اندکی از اشتباهات فاحش تاج در گذشته را کم‌رنگ و حسن‌نیت او را ثابت کند. هر چند او حتی در شعارهای تبلیغاتی خود نیز اشاره‌ای به این مهم نکرد و باید دید حال که خروش از پل گذشته است فکری برای این مقوله مهم می‌کند یا نه؟

بازگشت به آسیا

حذف تیم‌های باشگاهی ایران از لیگ قهرمانان آسیا به دلیل عدم دریافت مجوز حرفه‌ای و حرف‌های جسته و گریخته‌ای که طی یکی دو ماه اخیر در خصوص تعلیق رقابت‌های لیگ برتر مطرح شده، از دیگر موارد حائز اهمیتی است که فدراسیون فوتبال و رئیس جدید آن باید در بازگشت مجدد به ساختمان سیاه‌رنگ خیابان ستول فکری برای آن بیندیشد؛ موضوع مهمی که سال گذشته پرسپولیس و استقلال را بقیه کرد و امسال سرخابی‌های پایتخت دچار کند چرا که کمتر کسی است نداند لیگ برتر ایران به رقم پدک کشیدن عنوان حرفه‌ای طی ۲۲ سال گذشته، کوچک‌ترین بویی از

حرفه‌ای بودن نبرده است؛ مسئله‌ای که باشگاه‌های فوتبال ایران را نیز شامل می‌شود. موضوعی که طی سال‌های اخیر با کسب‌اندیشی و دادن آمارهای نادرست به AFC حل و فصل می‌شد اما اتفاقی که سال گذشته رخ داد و باعث کنار گذاشته شدن پرسپولیس و استقلال از لیگ قهرمانان آسیا شد ثابت کرد راهکارهای نخبه‌شده دیگر جواب نمی‌دهد و حالا تاج موظف است با توجه به اطلاعات کاملی که در این زمینه دارد، فکری نیز برای مقوله کسب مجوز حرفه‌ای باشگاه‌های ایرانی بکند، خصوصاً که بعد از اتفاقات سال‌های اخیر، ماه‌هاست کمیته صدور مجوز حرفه‌ای ایران نیز به دلیل مماشات با تیم‌های مختلف در این زمینه، تعلیق است!

حق دست‌نیافتنی پخش

حق پخش تلویزیونی از دیگر مواردی است که باید دید تاج برنامه و فکری برای پیشبرد آن دارد یا نه؟ برنده انتخابات هشتم شهریور ماه با توجه به تجربه حضور در رأس فدراسیون فوتبال به خوبی با چم این مورد خاص آشنایی دارد و خوب می‌داند با وجود بافشاری صداسیما بر مواضع خود، این مهم تا چه اندازه می‌تواند باعث حل و فصل مشکلات مالی باشگاه‌های فوتبال شود و حداقل از تعداد برنده‌های شکایت بر تعداد در فیفا که منجر به صدور حکم علیه فوتبال ایران و تیم‌های باشگاهی می‌شود، بکاهد؛ مسئله‌ای که حل و فصل آن می‌تواند نگاه‌ها را به تاج تا حد زیادی تغییر دهد، اما باید دید این مقوله مهم جزو برنامه‌های تاج که کلامی از آن را در رقابت انتخاباتی خود بیان نکرد است یا نه!



مهم‌ترین موضوع مسائل مالی است که نه تاج که هر مدیر و مسئول دیگری بعد از موفقیت در اهدافش نیاز دارد و تجربه نشان داده بهانه خوبی هم آستر برای عدم موفقیتش در کارها! اما میرشاد ماجدی بعد از شکست در انتخابات به نکته مهمی اشاره کرد. پر پول را به تاج تحویل نمی‌تواند با دستاویز قرار دادن مشکلات مالی، برای ناکامی‌های خود بهانه‌ای برترشد

موارد مطرح‌شده، تنها چند مورد خاص از موارد پرتعدادی است که فدراسیون تاج باید طی دو سال آینده به آن بیندیشد و گامی در راستای آن بردارد، اما مهم‌ترین مسئله در این مسیر، مسائل مالی است که نه تاج که هر مدیر و مسئول دیگری بعد از موفقیت در هر انتخابی به آن برای پیشبرد اهدافش نیاز دارد و تجربه نشان داده بهانه خوبی هم است برای عدم موفقیتش در کارها! اما میرشاد ماجدی بعد از شکست در انتخابات به نکته مهمی اشاره کرد. او بارها تأکید کرد که فدراسیونی پر پول را به تاج تحویل داده است، یعنی اینکه او در آینده نمی‌تواند با دستاویز قرار دادن مشکلات مالی، برای ناکامی‌های خود بهانه‌ای برترشد، خصوصاً که از سرپرست فدراسیون سؤال شد منظور او پول‌های ایران در فیفاست که ماجدی یارد کردن آن بار دیگر تأکید کرد نه پول‌های فوتبال ایران در فیفا که منظورش پول‌های موجود در صندوق فدراسیون فوتبال است؛ پول‌های قابل دسترس رئیس جدید که مقدار آن هم کم نیست و این را خوش‌شانسی تاج خواند که برخلاف او، فدراسیونی را تحویل گرفته که صندوقی پر پول دارد، اما باید دید این پول‌ها می‌تواند کار تاج را در آغاز کار راه بیندازد و از بار مشکلات فدراسیون بکاهد یا تأثیری در روندی که رئیس جدید و البته متحان‌پس‌داده فدراسیون فوتبال در پیش خواهد گرفت، ندارد.

تاج، پرونده درخشانی در ریاست قبلی خود بر فدراسیون فوتبال ندارد و ایسن مهم‌ترین دلیل منتقدان برای رده‌لحایت او و کنار گذاشته شدن او است. مسیری انتخابی بود. با وجود این اما او انتخاب شد و حالا تا دو سال آینده سکان ریاست فدراسیون فوتبال را به دست گرفته و باید منتظر بازخوردهای تازه حضور مجدد او در فوتبال بود و تصمیماتی که این بار اتخاذ می‌کند. در واقع باید به او فرصت داد نشان دهد آیا همان تاج پرونده ویلموست است یا رئیسی با دیدگاه و تفکرات متفاوت و بعد از آن به ستایش عملکردش یا نقد آن پرداخت.

